

■ سال بیست‌وششم ■ شمارهٔ ۷۴۱۰ ■ دوشنبه ■ ۱۳ مرداد ۱۳۹۹

# ایران

مساحت: ۱۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت: ۷۵ میلیون نفر
پایتخت: تهران
زبان رسمی: فارسی
مذهب: شیعه
رئیس‌جمهور: سید علی خامنه‌ای

ایران در ۱۳۱۱ | اذان مغرب ۲۷/۲۰ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۰ | اذان صبح فردا ۳۹/۴ | طلوع آفتاب فردا ۱۴/۶

امام علی علیه السلام:

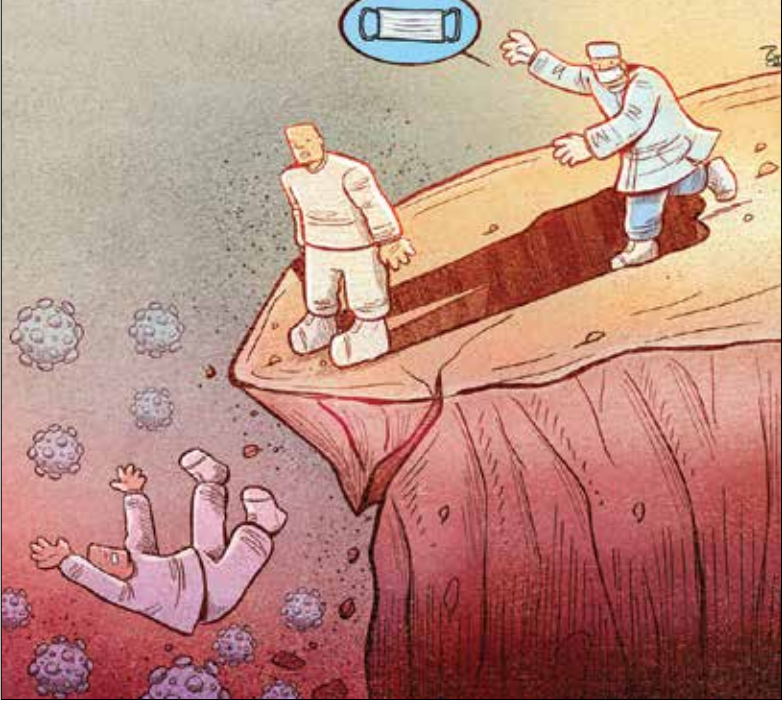
عفت، نفس را مصون می دارد و آن را از پستی‌ها دور نگه می دارد.

سخن روز

تصفیف غررال‌الحکم و دررالکلم ص ۲۵۶، ج ۵۲۲

نگاره

علیرضا پادکل



## #بوردس

شاخص بورس تهران از ابرکانال دو میلیون واحد هم فراتر رفت و این خبر سهامداران و فعالان بورس را خوشحال کرد.
کاربران اهل این بازار درباره این شاخص و دلیل رشدش می‌نوشتند و شرایط را پیش‌بینی می‌کردند. البته مثل همیشه بازار توصیه‌های بورسی هم داغ بود؛ «شاخص بورس تهران در کمتر از سه ماه دوباربر شد و صبح امروز از مرز ۲ میلیون واحد گذشت. به‌نظر می‌رسد تنها کسب‌وکار تولیدی که در حال حاضر ارزش سرمایه‌گذاری و توان رقابت با بازارهای مالی را دارد «کیمیاگری» است.»، «شاخص ۲ میلیون‌ور درک و بورس هنوز سقوط نکرده.» «امروز شاخص کل بورس عدد دو میلیون رو هم رد کرد...اینکه ادامه چی میشه رو نمی‌دونیم، ولی امیدوارم این حجم پول ورودی به بورس توی رشد و توسعه صنعت کشورمون خرج بشه و نشه بیای جون مردم و عامل تورم.» «روز خوب بورس ایران. آفرین داره این بورس اگر طی چند سال گذشته بورس ایران مطابق برنامه‌ریزی خودش عمل می‌کرد شاخص الان باید عدد ۵ میلیون بود. این بورس مهار

### شهروند مجازی

بگانه خدایی

### هشتک

نشدنی هشت»)، «هر کارمند اداری، یک گرگ وال استریت، مخصوصاً کارمندی شرکت نفت و مخابرات»، «ایران‌خودرو و سایپا مدام نسبت به قیمت خودروهاشون اعتراض می‌کنن و می‌گن ما با این قیمت‌ها داریم ضرر می‌کنیم. اون وقت قیمت سهام‌شون تو بورس داره مدام بالا می‌ره. من از بورس خیلی نمی‌فهمم ولی جطوره که به شرکت به گفته خودش داره ضرر می‌ده ولی سهامش رشد می‌کنه؟»، «خب به سلامتی شاخص کل بورس از دو میلیون واحد عبور کرد ولی لطفاً هیجانی و لحظه‌ای تصمیم نگیرید. باید صبر کرد و دید فردا پس فردا چی میشه. خواهشاً از این پس با تحلیل، بررسی و وسواس خیلی خیلی بیشتری خرید کنید تا خدایی نکرده دچار زیان و ضرر نشوید.»، «شاخص کل بورس بالاخره مقاومت دو میلیون واحد رو شکست! باید دید توان ایستادن روی این عدد رو داره یا دوباره برمی‌گرده پایین»، «اینم شاخص ۲ میلیون. اگه چند سال پیش به همچین رقمی واسه شاخص حتی فکر هم می‌کردی احساس می‌کردی شاید دیوونه شدی! ولی همونطور که تعداد ورودی افراد و ورود نقدینگی سابق تحلیلی خودمون تغییر

کنه».

### شهروند مجازی

بگانه خدایی

درگذشت خسرو سینیای کارگردان خوشنام سینمای ایران بر اثر بیماری کرونا در شبکه‌های اجتماعی بازتاب زیادی داشت. به جز موج تسلیت‌ها و انتشار عکس‌های او توسط هنرمندان و چهره‌های سینمایی، کاربران با نوشتن درباره سینمای ماند و کارهایش از او یاد کردند.
به‌خصوص آثار مستند و بعضی فیلم‌های او که کمتر مورد توجه قرار گرفتند اما شاخص بودند: «خسرو سینیای سال ۱۳۵۶ «تهران امروز» را ساخت که تصویری کم‌نظیر از پایتخت یک سال قبل از انقلاب را نشان می‌دهد. یاقوت، «زن سرخ‌پوش» که گویا از شمال برای دیدار معشوق به تهران آمده بود و همیشه در میدان فردوسی دیده می‌شد، از چهره‌های به‌یاد ماندنی سینمای سینیای و شاید بازتابی از خود او است.»، «برخی صحنه‌های «در در کوچه‌های عشق» را هنوز به یاد دارم، ساخته خسرو سینیایی که واقعیت جنگ را عیان می‌کرد.

میان آن فیلم‌هایی که به اسم سینمای جنگ ساخته شد، این یکی چه فیلم خوبی بود با فیلمبردارای بهتر علی لقمانی، آدم‌های داستان را می‌فهمیدی، آنهایی را که از گلوله‌باران آبادان گریختند و آنهایی را که ماندند. با همه‌شان همدات‌پنداری می‌کردی. آشوب جهان را می‌دیدي و مبارزه غریزی برای نجات، جایی که جنگ رده‌ها بی‌هیچ فکری به هر چیزی خود را می‌آویزند بلکه زندگی

ادامه یابد.»، «دوسال پیش در دوره‌می کوچکی که کافه‌نورون برای یکی از قدیمی‌های خیابان ویلا برگزار کرد، آقای خسرو سینیای عزیز بعداز مدت ها به سختی آواززدنی را به سینه فشرد و موسیقی تابستانی فشتگی برایمان زد، خنده نوازنده‌ای که سازش را به او قرض داده بود هرگز فراموش نمی‌کنم، پر بود از ستایش و مهر.»، «خسرو سینیای به



### سیدعباس صالحی: درگذشت خسرو سینیای، خبری که موجب اندوه و افسوس شد

«خبر درگذشت کارگردان فرهیخته و دوست داشتنی سینمای ایران مرحوم خسرو سینیای موجب اندوه و افسوس شد. فقدان این سینماگر پیشکسوت و صاحب سبک را به خانواده بزرگ سینما صمیمانه تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال برای آن عزیز از دست رفته آرزویش و آرامش ابدی و برای خانواده و بازماندگان محترم صبر و بردباری آرزو مند.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی درگذشت خسرو سینیای کارگردان پیشکسوت کشورمان را تسلیت گفت.

چند نکته درباره چالش‌های هنر نمایش در دنیای امروز

## تئاتر زنده یا آنلاین؟

ذات تئاتر به زنده بودن و هم‌نفسی با تماشاگر استوار است به همین دلیل هم آن را هنر زنده می‌نامند. درست زمانی که «سینما» آمد برخی گمان کردند که به‌زودی «تئاتر» از بین خواهد رفت؛ ولی چنین نشد. یعنی «سینما» این غول هنر جادویی حریف تئاتر نشد، بلکه همواره به نوعی به‌لحاظ «بازیگران» و نیز «فیلم‌نامه» کمابیش وامدار تئاتر ماند. «کرونا» این میهمان ناخوانده اهریمنی قصد دارد تا تحولات اساسی در سبک زندگی و روال طبیعی زیست اجتماعی ایجاد کند و بشر عاجز را در بسیاری از امور به ستوه درآورده است. اما انسان، به مدد شعور، ابتکار و خلاقیت‌های خود قطعاً دیر یا زود از پس این مشکل برآمده و به حیات خود ادامه خواهد داد، اما تا رفع مشکل نیز اهالی هنر بر آن هستند تا از پای نشینند و به‌عبارتی تئاتر را به تعطیلی نسپارند. شیوه اجرای «آنلاین» اگر چه امروزی و جدید جلوه می‌کند اما در دهه چهل، سابقه‌ای داشت و هر هفته تماشاگران تلویزیون تازه تأسیس از طریق اجرای زنده و پیش‌مستقیم شاهد اجرای تئاترهایی بودند که هر چهارشنبه اهالی نمایش را گرد هم می‌آورد. آن زمان البته روش ضبط دیجیتال وجود نداشت و مثل بازی فوتبال، از طریق دوربین و به‌صورت مستقیم پخش می‌شد و بعدها گونه‌ای دیگر از تئاتر شکل گرفت که به «تله تئاتر» معروف شد که در واقع همان «تئاتر تلویزیونی» است. این‌ها اشکالی برای تقویت تئاتر بودند ضمن آنکه نمایش‌ها همچنان بر صحنه به حیات خود ادامه می‌دادند و هیچ‌کدام از این دو، منافعی هم نبودند. نمایش را دیوبنی هم برای خودش عالمی داشت بویژه «داستان شب» که گویندگان مطرحی در آن اجرای برنامه می‌کردند

### یادداشت



اردشیر صالح‌پور استاد دانشگاه هنرهای نمایشی

### رؤیاپردازی در بیداری

حتماً درمرور خاطرات کودکی، به چیزهایی اغراق شده می‌رسید که الان باورثان نمی‌شود چطور چنین تصویری داشتید. مسیرهایی که برایتان پایان نداشته و حالا به مسیری عادی و کوتاه تبدیل شده، سایه و صدامایی که شاید شما را می‌ترسانده، شاید یک مدت‌ها با آن سرگرم بودید و حالا فقط

چه اتفاقی افتاده که این‌ها رنگ عوض کردند؟ چه چیز کودکی این فضا را ایجاد می‌کرده؟ این عادی شدن از کجا می‌آید؟

بخشی از آن قدرت تخیل است. تخیلی که رنگ و رویش را در بزرگسالی از دست می‌دهد.
حتماً در کودکی با شنیدن داستان‌هایی که برایتان تعریف می‌کردند شب‌ها و روزها خیال می‌یافتید، گاهی می‌خواستید قهرمان داستان باشید و ناجی، گاهی دلتان می‌خواست جای آن شخصیت باشید و...

اما آیا همه آن داستان‌هایی را که در کودکی شنیدید به خاطر دارید؟ یا چه کسی آن را تعریف کرده؟ چطور بعضی از آنها در ذهنتان مانده؟
حتماً برایتان پیش آمده که دلتان خواسته یک نفر و فقط همان یک نفر برایتان داستان بگوید، شاید هم همان داستان تکراری را حاضر بودید از زبان آن آدم بارها بشنوید. راز

این ماجرا همان هنر قصه گویی است. قصه گوی یک راوی شفاهی است. قصه گویی که از قصه گفتن لذت می‌برد و خودش قصه را لمس می‌کند و باور می‌کند می‌تواند برای مخاطب باور پذیرش کند. متأسفانه

در کشور ما کمتر قصه گویی برای بزرگسالان اتفاق می‌افتد. اما در بسیاری از جوامع مهم نیست شما چه شغلی داشته باشید، چه سنی داشته باشید. پای قصه شنیدن می‌نشینید و مجالی پیدا می‌کنید برای پرورش خیال و رؤیا. اینجااست که پرورش این تخیل به شما کمک می‌کند برای زنده بودن و بزرگراهایی که می‌توانند تخیل کنند
حتماً راهکارهای بهتری در زندگی پیدا می‌کنند. کاهش استرس و گریز از فشارهای روز.

قصه گویی جادوی تخیل است، رؤیاپردازی در بیداری؛ مهم نیست چه سن و شغلی دارید، مهم این است که چقدر بخواهید زنده بمانید.

هر یک‌دک‌ما از ما می‌توانیم مهارت‌های قصه گویی را کسب کنیم و با تمرین، قصه گوهایی خوبی باشیم. مخصوصاً کسانی که با بچه‌ها سر و کار دارند نیاز به کسب این مهارت دارند که بدانند کی، کجا و چطور قصه بگویند. برای باور پذیر کردن یک خیال اصولی وجود دارد: تخیل، حقیقت ماندنی، ایجاد حس یکدلی، لذت بردن از قصه‌ای که می‌گویید و بترسیدن از تمسخر. باور داشته باشید بهترین قصه گوئ دنیا هستید. قصه گوئ خوب زبان بدن را می‌داند. و این زبان بدن نه تنها در قصه گویی که در بسیاری از موارد شغلی هم به ما کمک می‌کند که حس طرف مقابل را از حرکات بدنش بفهمیم. بارها شنیده اید قصه‌ها ناجی هستند. هم برای قصه گو و هم برای شنونده قصه. تا نا امید نشوند، فرو نریزند و به زندگی ادامه بدهند. غوطه ور شدن در قصه عین خود زندگی است. وقتی در قصه جای شخصیتی می‌روید، اسم‌تان را عوض می‌کنید، رخت او را می‌پوشید. دیگر خودتان نیستید. ناخودآگاه رفتارثان تغییر می‌کند و تجربه زندگی دیگری را از سر می‌گذرانید. می‌توانید با کلمات جدید وارد کردن آن در داستان‌های عامیانه‌ای که برای همه آشناست بدون تغییر در روند داستان، داستان را مال خود کنید.

حتی می‌توانید قصه‌ای را از ته به سر تعریف کنید. با کلمات، با قصه‌ها، با روحثان بازی کنید. بگذارید زنده بمانیم. قصه راه نجات خلاقیتی، راه تجدید خاطره است. خود شنیدن را یاد می‌گیریم و خوب دیدن را. و اینکه همه این مهارت‌ها را چطور در بیان به کار ببریم. اگر علاقه‌مند به قصه گویی هستید می‌توانید تکنیک‌های قصه گویی را در «رازهای قصه گویی» به قلم باترینس مونته رو با ترجمه فرانزه فخریان یاد بگیرید.

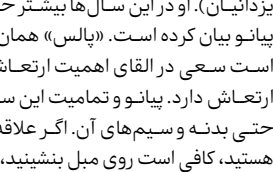
### «پالس»ی بر کهکشان موسیقی

«از منظر فیزیک مدرن همه چیز در جهان در حال ارتعاش است. از یک اتم، یک سنگ، یک برگ، تا انسان، زمین و تمامیت هستی. ریشه تمام ارتعاشات «پالس» نخستین است که در هر جزء کیهان به گونه‌ای آشکار می‌شود.»

این سطر اساس شکل‌گیری آلبوم «پالس» اثر پیمان یزدانیان است. آلبومی مشتمل بر دو قطعه بلند و بدون کلام، منتشر شده توسط نشر هرمس است. او نیاز به معرفی ندارد، همه او را با موسیقی فیلم‌هایش می‌شناسیم. «متری شیش و نیم» و «بنفشه آفریقایی» از آخرین ساخته‌های او در حوزه موسیقی فیلم هستند. پیمان یزدانیان از آن دست موسیقی‌هایی است که نقش مهمی در پرورش مخاطبان موسیقی بدون کلام داشته است. آلبوم‌های یزدانیان (برداشت اول، برداشت دوم، گذر، همراه با باد، از انعکاس شهرهای دور، سویت ها و...) در شمار پرفروش‌های موسیقی بی‌کلام در این سالیان است.

او در آلبوم «پالس» در فواصل موسیقی مینی مال و در لحظاتی آتوتال پیش می‌رود. قطعات به طور میانگین ۲۰ دقیقه به طول می‌انجامد. که این خود نقطه قوت اثر است، اما امید است در اوضاع نا بهنجار موسیقی این روزها، خلق چنین آثاری آسانه تحمل شنونده را بالا برده و در دنیای منحصر به فرد اثر پیش ببرد.

آلبوم «پالس» مجموعه‌ای از آثاری است (ساز تخصصی پیمان یزدانیان). او در این سال‌ها بیشتر حرف‌ها و دغدغه‌هایش را با پیانو بیان کرده است. «پالس» همان‌طور که از مانیفستش پیدا است سعی در القای اهمیت ارتعاش بخصوص لحظه شروع ارتعاش دارد. پیانو و تمامیت این ساز در اختیار نوازنده است، حتی بدنه و سیم‌های آن. اگر علاقه‌مند به شنا در کهکشان هستی، کافی است روی میل بنشینید، «پالس» را پلی کنید و آرام آرام بر قوانین فیزیک غلبه کرده و بی‌نیاز به هیچ نوع سوخت



پیمان یزدانیان

موشکی در دل سیاهچاله‌ها سفر کنید.



یعنی نه حمزه، نه اسماعیل، نه داوود، ستاره‌ای ندارند توی این هفت آسمان؟ یا ستاره‌شان کورو خاموش است، مثل همان سنگ‌هایی که داوود بچگی می‌گفت توی کتابش نوشته‌اند که ول‌اند توی آسمان. سوت و کورو سرگردان؟

لب بر تیغ حسین سنایور نشر : چشمه

### به نام تاریخ

فرهنگی ایران و جهان بگذرانیم.

تولنها

**حسن حسندوست:** تدوینگر نام آشنای سینمای ایران سال ۱۳۳۶ در چنین روزی به دنیا آمد. حسن حسندوست در مدرسه عالی تلویزیون و سینما تدوین را یاد گرفت و ابتدا در تلویزیون کارش را آغاز کرد پس از آن به سینما آمد و اولین کار رسمی اش تدوین فیلم «شهر موش‌ها» بود. از سال‌های ۴۸ تا ۵۴ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کرد و در این مدت دو فیلم هشت میلیمتری هم به‌نام‌های «سبیل» و «نبرد» ساخت که فیلم «نبرد» برنده جایزه آماتوری شد. در عین حال تدوین را در سینما با فیلم‌های برجسته‌ای چون «آجره نشین‌ها»، «هامون»، «مادر»، «سارا»، «چکمه»، «پری»، «بچه‌های آسمان»، «رنگ خدا» و «باران» ادامه داد و «خورشید»، «آن سوی ابرها» و «فراری» آخرین فیلم‌هایی هستند که با تدوین او روی پرده رفته‌اند. حسندوست برای تدوین فیلم‌های «هامون» و «بچه‌های آسمان» سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را گرفت.

**سیروس همتی:** بازیگر و کارگردان تئاتر و تلویزیون امروز ۴۸ ساله می‌شود. سیروس همتی با بازی در فیلم «امروملک» و سریال «خداحافظ بچه» شناخته شد هرچند که پیش از این در سریال‌های «خاک سرخ» و «آشپزباشی» بازی کرده بود. او تئاتر را از سال ۲۰ آغاز کرد و در نمایش‌هایی چون «برف سبز»، «رؤیاهای خلیج فارس»، «دزد آب»، «بلوط‌های تلخ»، «ومبیا» و «امردی در آیین» بازی کرد. ضمن اینکه نمایش‌های «قربانی»، «و دو چشم»، «مجلس برادر کشی»، «ماجرای نیمه شب» و «اسب تهران» هم با کارگردانی همتی روی صحنه رفته‌اند.

درگذشت‌ها

**کولت:** سیدونی گبریل کولت یکی از شاخص‌ترین نویسندگان زن فرانسوی سال ۱۹۵۴ در چنین روزی درگذشت. کولت متولد سال ۱۸۷۳ بود و با ناشری بنام «آنری گوتیه ویلار» ازدواج کرد و سپس از آن نوشتن را به‌صورت جدی دنبال کرد. ماجراهای چهار جلدی «کلدوین» اولین کتاب‌های او بودند که از سال ۱۹۰۰ منتشر شدند. پس از آن «ماجرایهای مین» را نوشت که موفقیت زیادی برایش همراه آوردند هرچند که این کتاب‌ها به‌عنوان اثر مشترک او و همسرش منتشر می‌شدند. کولت پس از جدایی از همسرش، ضمن بازی در نمایش‌های موزیکال کتاب‌های «عزالت عاطفی» و «پس از آن «آواره» را نوشت که این کتاب کولت را به شهرت رساند. «شری» مهم‌ترین اثر کولت در سال ۱۹۲۰ منتشر شد و سپس از آن با «کندم نارس»، «سرا نچراغ شری»، «دومی»، «ماده گریه» و «بگو مگو» نویسندگی را ادامه داد. کولت پس از آزادی فرانسه در جنگ جهانی دوم به‌عنوان یکی از چهره‌های ادبی برجسته فرانسه به شمار می‌رفت و نشان «لژیون دونور» را هم گرفت.

**الکساندر سولژنیتسین:** نویسنده روس سال ۲۰۰۸ در چنین روزی درگذشت. الکساندر سولژنیتسین از نوجوانی به ادبیات علاقه داشت و هم‌زمان با تحصیل در رشته ریاضیات، ادبیات و فلسفه هم می‌خواند تا ۴۴ سالگی به‌عنوان نویسنده مشهور نبود اما سال ۱۹۶۴ با نوشتن داستان «یک روز ایوان دنیسویچ» به شهرت رسید. رمان «درخت بلوط و گوساله» اثر بعدی او بود اما زمانی که الکساندر سولژنیتسین با آن بیشتر شناخته شد «مجمع الجزایر گولاگ» بود. او از ۱۹۴۵ به مدت ۸ سال به جرم تشکیل یک سازمان ضدانقلابی در اردوگاه کار اجباری گولاگ به سر برد و ماجراهایش جرقه نوشتن این کتاب شد. کتابی که به‌دلیل محدودیت‌های الکساندر سولژنیتسین در شوروی آن زمان در فرانسه منتشر شد. او به‌دلیل افشای جنایات استالین در رمان‌هایش پس از آزادی از اردوگاه کار اجباری گولاگ به تبعیدی ۲۰ ساله در قزاقستان رفت و بالاخره در ۱۹۷۴ از شوروی اخراج شد. هرچند که سال ۱۹۹۴ او پس از فروپاشی شوروی به کشورش بازگشت. الکساندر سولژنیتسین در سال ۱۹۷۰ برنده جایزه نوبل ادبیات شد.

**جوزف کنراد:** نویسنده بریتانیایی– لهستانی سال ۱۹۲۴ درگذشت. او متولد ۱۸۵۷ بود و ابتدا به‌عنوان نویسنده داستان‌های پسرپچه‌های دریاورد شناخته می‌شد چون در کشتیرانی تجاری فرانسه کار می‌کرد

اما پس از گذشت سال‌ها امروز به‌عنوان داستان سرائی ماهر شناخته می‌شود. کنراد از سال ۱۸۹۴ که نویسنندگی را پس از پایان کارش در دریا جدی دنبال کرد ۱۳ رمان، ۲۸ جلد خاطرات و ۲۸ داستان کوتاه نوشت که «غریبه دریا زده»، «کاکاسیه کشتی نارسپسوس»، «قربانی هفت جزیره»، «وسترپوما» و «دل تاریکی» از جمله آثار او هستند. او سال ۱۹۱۴ برنده نشان «شوالیه» و مدرک افتخاری از ۵ دانشگاه شد که همه را رد کرد.



میلان کوندرا، نویسنده سرشناس کتابخانه و آرشئو شخصی خود را به یک کتابخانه در شهر زادگاهش در جمهوری چک اهدا کرد. این کتابخانه در شهر برنو چک قرار دارد و مسئولش گفته که «کل مجموعه و آرشئو کوندرا در فصل **عکس نوشت** پاییز از آپراتمان کوندرا در پاریس به این کتابخانه منتقل خواهد شد.» این مجموعه شامل نسخه‌هایی از کتاب‌های نویسنده به ۴۰ زبان مختلف، نقدها و مقالاتی به قلم با درباره او و آثارش، عکس‌ها و نقاشی‌های کوندرا می‌شود و وزیر وقت فرهنگ چک این اقدام را یک «رویداد فرهنگی خارق‌العاده» توصیف کرده است.